

The social action of art in the reflection of the face of power (a case study of the relief of Fath-Ali Shah hunting a lion)

ISSN (P): 2980-7956
ISSN (E): 2821-2452

 10.22034/jivsa.2025.482985.1104

Nafiseh Esnaashari * 

* Assistant Professor at department of Graphic design, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Email: n.esnaashari@basu.ac.ir

Citation: Esnaashari. N. (2025), "The social action of art in the reflection of the face of power (a case study of the relief of Fath-Ali Shah hunting a lion)", *Journal of Interdisciplinary Studies of Visual Arts*, 2025, 3 (6), P. 1-13.

Received: 11 October 2024

Revised: 25 January 2025

Accepted: 07 April 2025

Published: 07 April 2025

Abstract

The advantage of the power of the works of art to lead political, cultural, economic, etc. actions are carried out by the community of its audience, political, cultural, economic, etc. actions are carried out by the community of its audience. This article uses a hybrid approach to read a petroglyph of Fath Ali Shah hunting a lion in order to answer the question that it reflects the social action of the mentioned petroglyph on the one hand, based on the examination of the pretexts effective in its formation, and on the other hand, due to the impressive power of the works. What was on the public mind? The purpose of the upcoming research is to analyze the social functions of Fath Ali Shah's imitation of the petroglyphs of the kings before him. This article is qualitative and analytical. The method of gathering information is based on library data and study of visual documents. The result of this article indicates that the re-creation of lithographic art by Fath Ali Shah, like his predecessors, was not only aimed at a social reflection, i.e. showing the face of power, but was responsible for several social actions, including the king's right to reign, his power in defeating enemies, expanding the belief that his position is divine, equating his ability with the ability of ancient Iranian princes, and the mutual interaction of art and politics in the service of the ruling system, each of the mentioned cases played an effective role in gaining his political authority in the society. In deeper analysis, it can be seen that the ruling power provided the platform for the formation of this range of art to become the servant of his goals and at the same time, this spectrum was formed to support the ruling power. This feature is a reflection of interaction and bilateral connection between art and politics.

Keywords: petroglyph, reflection, intertextuality, Fath-Ali Shah, the social function of art.

کنش اجتماعی هنر در بازتاب چهره قدرت مورد مطالعاتی: نقش برجسته فتحعلی شاه در حال شکار شیر

ISSN (P): 2980-7956
ISSN (E): 2821-2452

 10.22034/jivsa.2025.482985.1104

نفیسه اثنی عشری  *

استادیار گروه هنرهای تجسمی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Email: n.esnaashari@basu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

چکیده

مزیت قدرت اثرگذاری آثار هنری به گونه‌ای که منجر شود کنشی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... از سوی جامعه مخاطبان آن صورت گیرد، از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی آثار هنری به ویژه سنگ‌نگاره‌ها است. این مقاله به مدد رویکردی ترکیبی به خوانش سنگ‌نگاره‌ای از فتحعلی شاه در حال شکار شیر پرداخته تا از یکسو بر اساس بررسی پیش‌متنهای موثر در شکل‌گیری آن و از سوی دیگر به دلیل قدرت تأثیرگذاری اثر، پاسخ‌گوی این پرسش باشد که بازتاب کنش اجتماعی نقش برجسته فتحعلی شاه در حال شکار شیر چیست؟ هدف از تحقیق پیش رو، افزون بر معرفی الگوپذیری هنرمندان عصر فتحعلی شاه از سنگ‌نگاره‌های شاهان پیشین، شناخت کنش‌های اجتماعی این اثر است. این مقاله از نوع کیفی است و روش آن تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات مقاله افزون بر داده‌های کتابخانه‌ای بر پایه مطالعه اسناد تصویری است. دستاورد مقاله دلالت‌گر آن است که بازآفرینی هنر سنگ‌نگاری عصر فتحعلی شاه، همچون پیش‌متن، صرفاً معطوف به یک بازتاب اجتماعی یعنی نمایش چهره قدرت نبوده است بلکه عهده‌دار کنش‌های اجتماعی متعددی بود از جمله استحقاق شاه بر امر سلطنت، قدرت او در شکست دشمنانش، گسترش باور الهی بودن مقام وی، همسان‌سازی توانایی او با توانایی شهریاران ایران باستان و نیز تعامل متقابل هنر با سیاست در خدمت به نظام حاکم. در واکاوی ژرف‌تر، می‌توان دریافت که قدرت حاکم، بستر تجدید حیات این طیف از هنر را مهیا ساخت تا خادم اهدافش شود، در عین حال این طیف هم احیا شد تا حامی قدرت حاکم باشد. این ویژگی، بازتاب تعامل و پیوند دو جانبه، بین هنر با سیاست است.

کلیدواژه‌ها: سنگ‌نگاره، فتحعلی شاه، رویکرد بازتاب، بینامتنیت.

۱. مقدمه

آثار هنری به فراخور ساختار و سبک، به دو روش متضاد، می‌توانند بر اذهان و رفتارهای عمومی اثرگذار باشند. طیفی از انواع این آثار، ترجمه شفافی از موضوع خویش ارائه می‌دهند و لذا تأثیری صریح و آشکار بر جامعه مخاطب خود دارند، در حالیکه طیفی دیگر، به صورت ضمنی و تلویحی ناقل مفاهیم گوناگون است. در مجموع مزیت قدرت اثرگذاری آثار هنری به گونه‌ای که منجر شود کنشی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... از سوی جامعه مخاطبان آن صورت گیرد، به روایت اسناد مصور تاریخی، از جمله کارکردهای اجتماعی آثاری همچون سنگ‌نگاره‌ها بوده است. هنر سنگ‌نگاری در ایران که دارای پیشینه‌ای طولانی است، با توقیفی بلند مدت، در دوران قاجار به عنوان یک رسانه تصویری عمومی توسط دومین شاه قاجار (فتحعلی‌شاه، دوران حکومت ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ ه.ق) احیا شد (علیمحمدی اردکانی، ۱۳۹۲، ص ۵۰). نقش برجسته‌های برجای مانده از وی در محیطی خارج از دیوار کاخ‌ها در ابعادی عظیم بر روی سطوح کوه‌ها و صخره‌ها حک شد. گزینش محل اجرای نقش برجسته‌ها بسیار شایان اهمیت بود، زیرا می‌بایست در تیررس دید عموم مردم قرار گیرد و بر این اساس عمده‌ترین مسیر کاروانیان ساخته می‌شد. برخی از پژوهشگران اجرا و احیای این هنر را توسط جانشین آقا محمدخان، بازتاب تمایل وی به باستان‌گرایی دانسته‌اند (شادقزوینی و عبدالله زاده نسودی، ۱۴۰۱، ص ۱۵). برخی دیگر علت شکل‌گیری این آثار را جلوه قدرت شاه و دلالت‌گر شکست‌ناپذیری او دانسته‌اند (لیا و کاتب، ۱۳۹۷، ص ۸). در واکاوی دقیق‌تر با توجه به توانایی خاص هنر از جمله سنگ‌نگاری در انتقال پیام‌ها و مفاهیم به جامعه مخاطب ضروری است تا به بررسی این آثار از منظرهایی فراتر از رویکردهای بصری و تجسمی پرداخته شود تا بتوان با درک ابعاد پنهان آنها به شناخت کامل‌تری دست یافت. لذا این مقاله با انتخاب یکی از این آثار به نام سنگ‌نگاره فتحعلی‌شاه در حال شکار شیر به واکاوی این اثر، مبتنی بر رویکردی ترکیبی پرداخته تا به این سوال پاسخ دهد که کنش اجتماعی نقش برجسته مذکور بازتاب چه مواردی در سطح جامعه بوده است؟

هدف از این مقاله، واکاوی موضوع از منظر کاربرد اجتماعی اثر هنری و بازتاب آن بر سطح جامعه است، لذا فراتر از تحلیل‌های صرفاً بصری و فرمالیستی از یکسو بر پایه رویکرد بینامتنیت به بررسی پیش‌متن‌هایی پرداخته که مبانی شکل‌گیری سنگ‌نگاره مذکور بودند و از سوی دیگر به مدد رویکرد بازتاب به شرح کنش‌های اجتماعی آن می‌پردازد تا شرح دهد که چگونه فتحعلی‌شاه به منظور مشروعیت بخشی و نمایش جلوه قدرت پادشاهی خویش، آگاهانه از توان نفوذ هنر بر اذهان عمومی جامعه یاری گرفت.

پیشینه پژوهش

مرور سابقه موضوع منجر به آشنایی با آثار ارزشمندی گردید که حاصل تحقیق، پیرامون موضوع سنگ‌نگاره‌ها است، از جمله در پژوهشی با عنوان «بررسی اثرپذیری و موارد الگوبرداری از ایران پیش از اسلام در عصر قاجار با تکیه بر نقش برجسته‌های قاجاری» به شرح علل گرایش فتحعلی‌شاه به فرهنگ ایران باستان پرداخته شده و شناسایی اهداف مد نظر وی از احیای هنر سنگ‌نگاری شناسایی شده است (حاجی علیلو، ۱۳۸۶). در تحقیقی به نام «شناسه‌شناسی قدرت در پیکرنگاری‌های فتحعلی‌شاه» هدف از تولید این آثار هنری افزون بر بیان گفتمان قدرت، تلاش برای ایجاد یک شخصیت اسطوره‌ای از فتحعلی‌شاه ذکر شده است (یوسفیان و جوانی، ۱۳۹۰). در واکاوی «نقش برجسته شکارگاه خسرو دوم (؟) در تاق بستان و الگوپذیری از آن در نقش برجسته تنگواشی فتحعلی‌شاه قاجار» پس از تحلیل عناصر بصری دو سنگ‌نگاره و نیز موقعیت جغرافیایی آنها این نتیجه مشخص شده که هدف از نقر سنگ‌نگاره شکار در تاق بستان، ارائه نمود تصویری از برگزاری ضیافتی بزمی - مذهبی بوده اما در تنگواشی بیشتر نمایشی بزمی در کنار بازنمایی بقای خاندان شاه مد نظر بوده است (حیدری بابا کمال و دیگران، ۱۳۹۱). همچنین در «بررسی و تحلیل نقش برجسته‌های قاجاری مجموعه سنگ تاق بستان، کرمانشاه» نویسندگان به این نتیجه دست یافته‌اند که شهریاران قاجار افزون بر الگوپذیری از هنر نقش برجسته‌سازی ایران باستان و تأثیر از هنرهای دوران صفوی، از سبک فرنگی نیز الهام گرفته‌اند (مرتضایی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۷). در پژوهش «جایگاه نقوش برجسته

صخره‌ای عهد قاجار در بازیابی هویت ملی ایران» نویسنده بر این عقیده است که هدف شاهان قاجار از تجدید حیات هویت ایرانی از جمله هنر سنگ‌نگاری، وحدت سیاسی ایران و نیز بقای سلطنت‌نشان بوده است (تقوی، ۱۳۹۳، ص ۶۰). در واکاوی «تأثیرپذیری نقش برجسته های دوره فتحعلی‌شاه از نقش برجسته های دوره ساسانی» پژوهشگران با انتخاب ۳ نقش برجسته از دوره فتحعلی‌شاه با ۳ نقش برجسته از دوره ساسانی، به این نتیجه رسیده‌اند که کنش بازنمایی فتحعلی‌شاه قاجار در هیئت شاهان باستانی، رسانه‌ای تبلیغاتی در راستای اعتباربخشی به سلطنت شاه و نمایش شوکت و جلال دربار قاجار و به طور کلی اهداف شاهانه بوده است (دستمردی و یوزباشی، ۱۳۹۹). در «بررسی چگونگی تأثیرپذیری نقش‌برجسته‌های دوره فتحعلی‌شاه قاجار از دوره ساسانی» پس از مطالعه تطبیقی سه نقش برجسته از دوران ساسانی با دوران فتحعلی‌شاه این نتیجه مشخص گردید که وحدت سیاسی و تداوم سلطنت قاجار هدف اصلی فتحعلی‌شاه از دستور ساخت نقش برجسته هایی از او بوده است (شادقزوینی و عبدالله زاده نسودی، ۱۴۰۱). همچنین نتیجه «مطالعه تحولات تمثال‌های نقاشی شده مینایی با تصویر شاهان و شاهزادگان در دوره قاجار» مشخص گردید نظام سلطنتی بر مبنای هنر پیکرنگاری به تولید تمثال‌هایی پرداخته تا موفق به مشروعیت بخشی موقعیت خویش گردد. بررسی سیر تحول ساختار طراحی آن‌ها که عمدتاً متعلق به فتحعلی‌شاه، سپس ناصرالدین شاه و به تعدادی محدود محمد شاه بوده، بیانگر آن است که پیکرنگاری از آرمان‌گرایی روزگار جانشین آقا محمدخان مبدل به واقع‌گرایی دوران ناصری گردید (پنجه‌باشی، ۱۴۰۲، ص ۴۵).

تمام پژوهش‌های مذکور هر یک به جای خویش ارزشمند می‌باشند اما وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌های پیشین در آن است که این نوشتار به بررسی کنش‌های اجتماعی مورد مطالعاتی خود پرداخته است، با واکاوی دقیق‌تر، هر چند پیرامون آثار هنری برجای مانده از ادوار قاجار به ویژه نقاشی‌های این گاه تاریخی، تألیفات و پژوهش‌های متعدد و شایان توجهی انجام شده اما این آثار یا معطوف به بررسی‌های تاریخی است و یا مشتمل بر تحلیل‌های صرفاً بصری و

فرمالیستی است، لذا به منظور شناخت دقیق‌تر و نیز توسعه ادبیات نظری در این حوزه با توجه به منابع محدود مکتوب فارسی، ضروری به نظر می‌رسد که پژوهش‌هایی فراتر از رویکردهای تاریخی و تجسمی از جمله جامعه‌شناسی، نشانه‌شناسی، بینامتنیت و ... انجام شود تا کارکردهای پنهان این آثار مشخص شود.

روش پژوهش

روش این نوشتار توصیفی-تحلیلی است و جامعه بررسی آن نقش برجسته فتحعلی‌شاه در حال شکار شیر است. سنگ‌نگاره مذکور در شهر ری برکوهی به نام سرسره نقر شده و زمان ساخت و هنرمند آن ناشناس است. شیوه گردآوری منابع تحقیق پیش‌رو علاوه بر داده‌های کتابخانه‌ای بر پایه مطالعه اسناد تصویری است، تا پژوهش جامع‌تری از موضوع تحقق یابد. رویکرد و مبانی نظری تحلیل پیش‌رو مبتنی بر روشی ترکیبی از دو رویکرد به نام بینامتنیت و بازتاب می باشد که در ادامه به شرح آن پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

روش‌های ترکیبی عموماً از غنای بیشتری در تحلیل آثار برخوردارند زیرا امکان شناخت عمیق‌تر آنها را فراهم می‌سازند، لذا مبانی نظری این نوشتار، مبتنی بر ترکیبی از دو رویکرد بینامتنیت و بازتاب تعیین گردید. به نظر می‌رسد در میان طیف وسیع انواع رهیافت‌های جامعه‌شناسی هنر، رویکرد بازتاب به‌عنوان یک ابزار روش شناختی با موضوع این مقاله مناسبت دارد، زیرا مبتنی بر این دیدگاه در پیوند هنر و جامعه، عوامل مختلف از جمله شرایط حاکم بر جامعه، از عمده‌ترین زیرساخت‌های موثر در تولید آثار هنری می‌باشد. این رویکرد در جامعه‌شناسی هنر یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین رهیافت‌ها برای تحلیل ارتباط میان هنر و جامعه است. مبتنی بر این رویکرد، اثر هنری نه تنها خود محصولی فرهنگی است بلکه بازتابی از شرایط اجتماعی حاکم بر زمانه خویش است. از منظر این رویکرد، هر اثر هنری را می‌توان همچون متنی اجتماعی قرائت کرد. در این متن، روابط قدرت، ارزش‌ها و باورهای جامعه در زمان تولید اثر به شکلی نمادین یا مستقیم به نمایش درمی‌آیند. بنابراین، تحلیل هنر به منزله

داشت که وجود سرشت بینامتنی در شکل‌گیری متون، افزون بر آنکه مبانی شکل‌گیری آنها می‌شود، منجر به غنای آثار و ارتقای محتوای کیفی آنها نیز خواهند شد (نامورمطلق، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳). با توجه به این شرح کوتاه به منظور کسب شناخت دقیق‌تری از موضوع در مقاله پیش رو سعی شده تا مبتنی بر ترکیب دو رویکرد یاد شده، سنگ نگاره فتحعلی‌شاه، مورد تحلیل و خوانش قرار بگیرد.

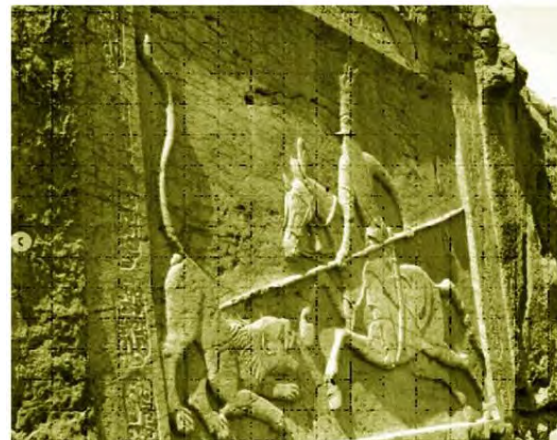
گذری بر پیش‌متن‌های تاریخی موثر در شکل‌گیری سنگ نگاره فتحعلی‌شاه در حال شکار شیر، مبتنی بر رویکرد بینامتنیت

به منظور انجام این تحقیق بر اساس رویکرد ترکیبی آن، ابتدا به شناخت و معرفی آثاری پرداخته می‌شود که به نظر می‌رسد می‌توان آنها را بستر شکل‌گیری و یا پیش‌متن تصویری موضوع دانست.

همچنان‌که در بخش چارچوب نظری اشاره شد، هیچ اثری به یکباره و در خلا شکل نمی‌گیرد بلکه مبانی آن، وجود روابط بینامتنی است که منجر به ایجاد اثر و یا تولید آثار جدید می‌گردد. در واکاوی تاریخی مورد مطالعاتی که عکس آن در تصویر شماره ۱ ارائه شده، شاید نخستین پیش‌متن آن، برخی سنگ نگاره‌های برجای‌مانده از تمدن آشور است که مضمونی یکسان با موضوع این مقاله دارد، زیرا «نقش شکار در اغلب تمدنهای بین النهرین، رویکردی نمادین و اسطوره‌ای است، رویکردی که در تمدن آشور به نوعی متحول می‌شود و به ابزاری در دست پادشاهان، برای نمایش قدرت ایشان در قالب تصاویر شکار حیوانات قدرتمند و یا صحنه‌های جنگ بدل می‌شود.» (دادور و خسروی فر، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

بازتابی از جامعه، فرصتی برای فهم عمیق‌تر شرایط اجتماعی فراهم می‌کند. در واکاوی دقیق‌تر، بر پایه رویکرد بازتاب، هر اثر هنری به مانند یک سند تاریخی است که می‌تواند اطلاعاتی درباره دوران خود ارائه دهد. هرچند رویکرد یادشده در جامعه‌شناسی هنر مشتمل بر حوزه گسترده‌ای از تحقیقات است اما همگی دارای یک وجه مشترک هستند و آن اینکه «هنر آینه جامعه است و توسط جامعه مشروط شده و یا تعیین می‌شود.» (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۵۵). بخشی از چارچوب نظری این مقاله بر بخش دوم تعریف مذکور، یعنی این که هنر به واسطه جامعه مشروط شده تأکید دارد، زیرا هدف این مقاله، بررسی ابعاد زیبایی شناختی مورد مطالعاتی آن نیست. هنر، ناگزیر متأثر و ملهم از شرایط حاکم بر جامعه بوده و در عین حال بازتاب آن است، همچنین در این رویکرد محقق باید اشراف کاملی به موضوع پژوهش داشته و به شناخت زمینه‌هایی بپردازد که در رابطه با موضوع تحقیق مؤثر بوده است، لذا در این روش مطالعاتی، تمرکز پژوهشگر می‌بایست، افزون بر توجه به شرایط حاکم بر جامعه، شناخت پیش‌متنهایی باشد که در شکل‌گیری اثر هنری مؤثر بوده، زیرا حلقه‌های میانجی و عوامل متعددی از جمله پیشینه‌های فرهنگی وجود دارد که هر یک نقشی شایان در فرآیند تولید آثار هنری داشته و لذا با توجه به ضرورت اهمیت شناخت پیش‌متنهای این آثار، بخشی از رویکرد تحقیق پیش‌رو به نظریه بینامتنیت اختصاص یافت، این نظریه که نخستین بار توسط «کریستوا» مطرح شد (نامورمطلق، ۱۳۹۰، ص ۱۰) «مبتنی بر این اندیشه است که متن نظامی بسته، مستقل و خودبسنده نیست» (مکاریک، ۱۳۸۴، ص ۷۲) و همچون سایر متون، متکی به خود نبوده و با متون پیش از خود در ارتباط است، به زبان ساده بینامتنیت به شرح کاربرد آثار پیشین در تولید آثار جدید آن هم بر اساس نگاهی خلاقانه می‌پردازد و به این علت بارت «بینامتنیت را مهم‌ترین عامل پویایی متن می‌داند و می‌گوید متن‌ها در یک فرایند پیچیده ارتباطی دگرگون می‌شوند و رشد و توسعه می‌یابند» (نامورمطلق، ۱۳۹۰، ص ۹۳). البته در واکاوی دقیق‌تر «روابط بینامتنی هم در تکوین و هم در خوانش آثار مهمترین تاثیر را دارند» (نامورمطلق، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳). پس می‌توان چنین اذعان

فرمانروایان ایران باستان را در حال شکار شیر حک کرده‌اند. منطبق بر اسناد تاریخی برجای مانده، شاید پیش متن اصلی موضوع این مقاله، حجاری ناتمامی باشد متعلق به یکی از پادشاهان دوران ساسانی که احتمال می‌رود شاپور اول است، وی «سوار بر اسب، نیزه‌ای را به طرف هدف نشانه رفته بود.» (تقوی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶) در نگاهی کلی آنچه ذکر شد به همراه شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه ایران دوران قاجار، همگی از جمله پیش‌متن‌هایی است که در احیای این هنر باستانی موثر بودند، اما به نظر می‌رسد، افزون بر این موارد، عامل دیگری در این رابطه کنشی کلیدی بر عهده داشت و آن عامل، کاربرد اجتماعی هنر است. فتحعلی‌شاه پیش از رسیدن به مقام سلطنت، از مزیت توان و قدرت کنش اجتماعی هنر آگاه بود و این آگاهی، محصول تجربیات بصری وی از دوران ولیعهدی‌اش بود. در این دوران او با آثار برجای مانده در تخت جمشید، نقش رستم، نقش رجب و نیشاپور آشنا گردید، همچنین «تصاویر و نقش برجسته‌هایی از نبرد رستم و اشکبوس، رستم و دیو سپید و ... که در دیوانخانه و ارگ زندیه در شیراز» حک شده بود، مشاهده کرد (حاجی علیلو، ۱۳۸۶، ص ۳۴). «بی‌تردید این آشنایی در توجه و تمایل وی به احیای آداب پر شکوه گذشته ایران موثر بود» (اثنی‌عشری و آشوری، ۱۳۹۶، ص ۴۸). با صرف تاملی بیشتر سنگ‌نگاره مذکور را می‌توان بخشی از یک سنت دیرینه دانست که ریشه‌های آن به تمدن‌های باستانی و ادوار تاریخی ایران پیش از اسلام بازمی‌گردد. اگرچه مضمون شکار، در تمدن‌های یادشده حاوی یک پیام مشترک یعنی نمایش قدرت و برتری پادشاه است اما در سنگ‌نگاره‌های آشوری، شکار به مثابه روایتی اسطوره‌ای و الهی بوده؛ در حالی که در آثار ایرانی، این مضمون نمودی سیاسی‌تر پیدا کرده و به نمایش شکوه و جلال شخص شاه مبدل شده است. در مجموع آثار هنری همواره در بستری تاریخی و فرهنگی تولید می‌شوند و با آثار پیشین در ارتباط هستند. وجود این روابط بینامتنی نشان می‌دهد که هنرمندان در دوره‌های مختلف از مضامین و قالب‌های رایج در فرهنگ‌های پیشین الهام گرفته‌اند و آن‌ها را متناسب با نیازهای سیاسی و اجتماعی حاکم در قالبی جدید بازتولید کرده‌اند.



تصویر شماره ۱. نقش برجسته فتحعلی‌شاه در حال شکار شیر واقع در کوه سرسره شهری (قاضیها، ۱۳۹۰، ص ۷۹)

در واکاوی دقیق‌تر، دوران سلطنت آشوریان «شکار شیر نمادی از اقتدار پادشاهی آشور و غلبه بر او [...] نماد شکست دشمنان امپراتوری است. [...] شکست و کشتار شیران توسط پادشاه، در نقش برجسته‌هایی با صحنه‌ی شکار، اغلب، پادشاه را پهلوانی شکست ناپذیر قلمداد می‌کند تا بدین وسیله قدرت پادشاهی را به شکلی مقتدرانه توصیف کند.» (لیا و کاتب، ۱۳۹۷، ص ۵-۶). از جمله اسناد مصور در این رابطه متعلق است به تصویر شماره ۲ «نخستین نقش برجسته دوره آشوریانیپال که از کاخ شمالی نینوا بدست آمده و شاه آشور را در داخل اریابه در حال حمله به شیر نشان می‌دهد.» (لیا و کاتب، ۱۳۹۷، ص ۱۱). پس از ایشان بر مبنای آثار تاریخی موجود، استمرار این نقش در تمدن‌های باستانی ایران دیده می‌شود، از جمله نقاشی دیواری متعلق به دوران اشکانی تصویر ۳ که موضوع آن شکار است، در این اثر که احتمالاً پیش متن و یا الگوی ادوار بعدی است، الهه میترا سوار بر اسب در حال تیراندازی به شکار خویش است. نقاشی مذکور «احتمالاً مربوط به حدود سال ۲۰۲ میلادی بوده [و در] دورا اروپوس در منطقه فرات بالایی» (لیا و کاتب، ۱۳۹۷، ص ۱۲) ترسیم شده، شایان ذکر است که اگر چه شباهت بین فیگور میترا و دومین شاه قاجار بسیار است اما با توجه به فاصله مکانی بین این دو اثر، بعید به نظر می‌رسد که این نقاشی پیش متن اصلی سنگ نگاره مذکور باشد، زیرا پس از اشکانیان در دوران بعد، از جمله سنگ نگاره‌های برجای مانده از تمدن‌های هخامنشی و ساسانی همچون تصاویر ۴ و ۵،

تصویر شماره ۴. سنگ‌نگاره‌ی بر جای مانده از دوران هخامنشی
(پساولی، ۱۳۷۸، ص ۸۴)



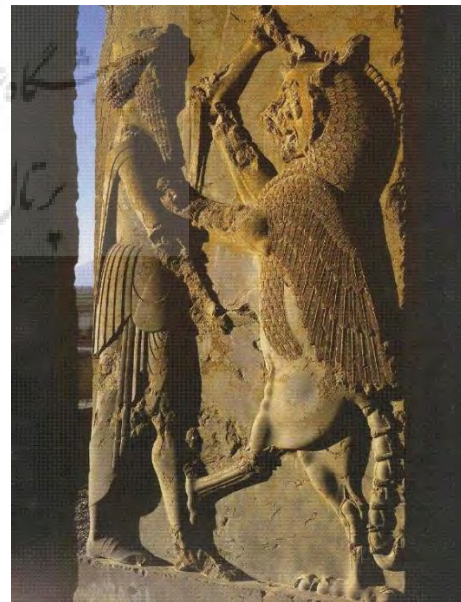
تصویر شماره ۵. سنگ‌نگاره‌ی بر جای مانده از دوران ساسانی
(پساولی، ۱۳۷۸، ص ۸۶)



تصویر شماره ۲. شاه آشور در حال حمله به شیر
(لیا و کاتب، ۱۳۹۷، ص ۱۱)



تصویر شماره ۳. نقاشی دیواری دورا اروپوس که میترا را در حال
شکار نمایش می‌دهد (حیدری بابا کمال و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۶)



۳. تحلیل

پس از ذکر گذری بر پیش‌متن‌های تاریخی کهن الگوی شکار شیر به دست شاه مبتنی بر رویکرد بینامتنیت در ادامه به ذکر بازتاب‌های اجتماعی سنگ‌نگاره مذکور پرداخته می‌شود اما به منظور تحقق تحلیلی درست، نگاهی گذرا بر وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در دوران دومین شاه قاجار ضروری است.

۳-۱. گذری بر وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در

دوران سلطنت فتحعلی‌شاه

دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، یکی از ادوار مهم تاریخ ایران است و دارای ویژگی‌های خاصی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی بود که در ادامه به شرح آنها پرداخته می‌شود. حکومت قاجار در دوران فتحعلی‌شاه افزون بر تثبیت قدرت خود با چالش‌های داخلی و خارجی متعددی مواجه بود. فتحعلی‌شاه توانست پس از مرگ عمویش، آغا محمدخان قاجار، سلطنت خود را برقرار کند و به مدت طولانی در رأس حکومت باقی بماند اما مشکلات عمده‌ای که از یکسو عدم همبستگی در داخل خاندان قاجار و مخالفت‌های داخلی بود و از سوی دیگر نفوذ در حال گسترش قدرت‌هایی همچون روسیه و بریتانیا بود توان سیاسی و قدرت سلطنت او را تهدید می‌کرد. یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی دوران

۳-۲. بازتاب‌های اجتماعی سنگ نگاره شکار شیر به دست فتحعلی‌شاه

منطبق بر موازین شریعت اسلام، ساخت تندیس از موضوعاتی چون انسان و حیوان به دلیل منع بت پرستی، ممنوع گردید، لذا هنر مذکور، در ایران نیز، پس از ورود این آیین مقدس به کلی منسوخ شد تا اینکه جانشین بنیان‌گذار سلسله قاجار، برای اولین بار در ایران پس از اسلام، آن را احیا نمود و «نقش شاه در منظر عموم و در ابعاد وسیع به صورت نقش برجسته به نمایش گذارده شد» (حاجی علیلو، ۱۳۸۶، ص ۳۱) و البته با توجه به توضیحات پیشین به نظر می‌رسد این اقدام کاملاً آگاهانه و به منظور تامین اهداف سیاسی و کنش‌هایی اجتماعی شکل گرفت که در ادامه به شرح بازتاب آنها پرداخته می‌شود.

بازتاب استحفاظ شاه بر امر سلطنت و شکست سلطان دشمنان

همچنان که ذکر شد ظاهراً مبانی استمرار کهن الگوی شکار شیر به دست شاه، از آغاز، به این معنا بود که چون شیر موجودی قدرتمند و پر هیبت بوده، لذا تجسم تصویری شکارش، صرفاً روایت شکاری پر شکوه و پر عظمت نبود، بلکه در اصل گویای توانایی و مهارت شکارچی شیر و یا دقیق‌تر بازتاب جبروت مقام شاهی بود که بر نماد قدرت، یعنی سلطان جنگل، فاتحانه غلبه کرده و این غلبه، مهر تاییدی بر استحفاظ او در کسب مقام سلطنت بود. همچنین تولید این اثر را می‌توان از جمله موارد کاربرد زبان پرنفوذ تصویر به عنوان یک ابزار تبلیغاتی مهم دانست که «در راستای اعتباربخشی به سلطنت شاه، نمایش شوکت و جلال دربار قاجار و به طور کلی اهداف شاهانه صورت گرفت» (دستمردی و یوزباشی، ۱۳۹۹، ص ۸۳). در واکاوی دقیق‌تر فتحعلی‌شاه آگاهانه از زبان تصویر برای ایجاد جلوه بصری قدرتمندی از خویش یاری گرفت، زیرا کاربرد این زبان از یکسو به دلیل مزیت نداشتن رمزگان زبان نوشتاری برای عموم افراد جامعه آن دوران که محروم از سواد بودند قابل درک بود و از سوی دیگر بستر تحقق باور عمومی به حق حاکمیت شاه را مهیا می‌ساخت. نقش برجسته شکار شیر به دست شاه در واقع یک روایت تصویری از پیروزی و تسلط بی‌چون و چرا بر مشکلات و موانع مختلف سیاسی،

فتحعلی‌شاه، جنگ‌های متعدد ایران با امپراتوری روسیه بود که تأثیرات اجتماعی عمیقی در سطح جامعه به ویژه از دست رفتن وجاهت شاه برجای گذاشت. روس‌ها که در حال گسترش نفوذ خود در قفقاز و آسیای میانه بودند، جنگ‌های متعددی در کشور به راه انداختند. جنگ‌هایی که حاصلش شکست‌های سنگین ایران بود. این شکست‌ها علاوه بر از بین رفتن بخش‌هایی از خاک ایران، به ویژه در قفقاز (گرجستان، ارمنستان و آذربایجان) دربار را وادار به امضای قراردادهای ننگین «گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸)» نمود. افزون بر روسیه بریتانیا نیز در دوران فتحعلی‌شاه تلاش می‌کرد تا از نفوذ روسیه در منطقه جلوگیری کند و لذا از ایران (علیمحمدی اردکانی، ۱۳۹۲، ص ۵۲)، به عنوان سپری در برابر نفوذ روس‌ها استفاده می‌کرد. هرچند روابط ایران با بریتانیا به ویژه در عرصه‌های تجاری و دیپلماتیک گسترش یافت، ولی در عین حال فشارهایی از سوی انگلیس برای حفظ منافع خود بر ایران تحمیل می‌شد. تمامی موارد یادشده عهده‌دار کنشی موثر بر وضعیت اجتماعی ایران بود که در ادامه به شرح بازتاب‌های آن پرداخته می‌شود. ساختار اجتماعی دوران قاجار برخوردار از یک نظام طبقاتی شدیداً متمرکز بود. شاه به عنوان بالاترین مقام سیاسی و اجتماعی در رأس این هرم قرار داشت و سایر نهادهای حکومتی نیز تحت کنترل اشراف و درباریان بودند. در این دوره، بسیاری از زمین‌های کشاورزی تحت مالکیت زمین‌داران بزرگ و اشراف قرار داشت و دهقانان در شرایط بسیار سختی زندگی می‌کردند. در نگاهی کل‌گرایانه روزگار سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، اگرچه کشور دارای ثبات نسبی در سطح داخلی و خارجی بود، اما با چالش‌های زیادی روبه‌رو بود که تأثیرات طولانی‌مدت بر وضعیت اجتماعی ایران بر جای گذاشت. جنگ‌های ایران و روسیه، تحولات اقتصادی و اجتماعی و افزایش نفوذ بیگانگان، از جمله مسائلی بودند که ایران در این دوران با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کرد. با توجه به شرایط یادشده در پاسخ به سوال تحقیق در ادامه به شرح کنش‌های اجتماعی مورد مطالعاتی تحقیق پیش‌رو بر مبنای رویکرد بازتاب پرداخته می‌شود تا مشخص گردد که این اثر چه عملکردهای در سطح جامعه آن دوران داشته است.

اجتماعی و ... بود زیرا همچنان که ذکر شد شکار شیر توسط شاه، تنها جلوه بصری از یک شکار یا تفرجی شاهانه نبود، بلکه نمادی از سیطره شاه بر تمامی ارکان اجتماعی جامعه بود و او را به عنوان یک فرمانده نظامی قدرتمند معرفی می‌کرد که توان غلبه بر هر دشمنی حتی در مقام سلطان آنان را دارد و لذا قادر به تثبیت سلطنت خویش است.

بازتاب حاکمیت نظام مطلقه سلطنتی و کسب اقتدار

گرایی سیاسی

نقش شکار شیر توسط فتحعلی‌شاه به عنوان یک رسانه تصویری مناسب بازتاب کوشش وی در راستای تثبیت حاکمیت نظام مطلقه سلطنتی بود. نظامی که در آن شاه به عنوان تنها قدرت مشروع شناخته می‌شد و هیچ گونه مرز یا محدودیتی در اعمال حاکمیت خود نداشت. در چنین نظامی، خواست شاه بر آن بود که به عنوان اراده‌ای برتر و غیرقابل نفوذ موفق به تثبیت نظام مطلقه سلطنتی در اذهان عمومی جامعه شود و لذا کنش او در نقش برجسته یادشده نه تنها یک عمل قهرمانانه بلکه تلاشی در جهت کسب اقتدار گرایی سیاسی بود و بالطبع می‌توانست یاریگر وی در ترمیم وجاهت از دست رفته‌اش به ویژه پس از شکستهای پی در پی نظامی از روسیه باشد.

بازتاب الهی بودن مقام پادشاهی

یکی دیگر از کاربردهای اجتماعی سنگ‌نگاره شکار شیر، ترویج الهی بودن مقام پادشاه به عنوان نماینده خداوند در زمین بود. در این تفکر، شاه نه تنها یک حاکم سیاسی بلکه به فردی با قدرتی الهی مبدل می‌شد. از جمله مفاهیم ضمنی این اثر افزون بر نمایش مهارت شکار شاه در تسلط بر موجودات وحشی، پیروزی نیروی الهی بر نیروهای شیطانی و یا تسلط بر هرج و مرج اجتماعی توسط قدرت برتر یعنی شخص شاه است. همان‌طور که در منابع تاریخی آمده است: «ساسانیان بر این باور بودند که سلطنت ایشان مشیتی الهی است و جنبه الهی مسئولیت شاه از آن جهت بود که سلطنت ودیعه خداوند است و لذا شاهنشاه نایب خداوند در زمین است و اینکه این قدرت آسمانی در وجود شخص شاه باقی است از پیروزی او در شکار آشکار می‌گردید» (حیدری بابا کمال و

دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۰). آشنایی فتحعلی‌شاه با این تفکر همچنان که پیشتر ذکر شد متعلق به روزگار ولیعهدی اوست. همان‌طور که در پژوهش‌های تاریخی اشاره شده، «با پذیرش دیدگاهی که گفتمان فره ایزدی در زمینه سیاست و قدرت در سطح جامعه رواج می‌داد، اندیشه‌های طبقه حاکم به اندیشه‌های حاکم بر جامعه تبدیل می‌شد» (قلی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۶). این گفتمان به شکلی مؤثر در جامعه انتشار می‌یافت و باعث می‌شد مردم شاه را نه تنها به عنوان یک پادشاه دنیوی بلکه به عنوان نایب خداوند در زمین بپذیرند. بنابراین، سنگ‌نگاره مذکور ابزاری برای تقویت مشروعیت الهی سلطنت بود. نکته دیگر آنکه در برخی از سنگ‌نگاره‌ها، نقش الهه‌ای یا نمادی مذهبی در کنار یا فراز سر شاه حک می‌شد تا به وضوح نشان دهد که این قدرت از یک منبع آسمانی سرچشمه می‌گیرد اما در این سنگ‌نگاره، شاه تنهاست و هیچ انسان یا موجود نمادینی در کنار او حضور ندارد. این نوع نمایش سلطنت نه تنها از قدرت دنیوی شاه حمایت می‌کرد، بلکه به نوعی این باور را در جامعه رواج می‌داد که سلطنت شاه با تأیید و اراده الهی همراه بوده و هر گونه چالش یا مخالفت با او، مخالفت با اراده خداوند خواهد بود.

بازتاب همسان‌سازی با فرمانروایان ایران باستان

واستمرار اندیشه سیاسی ایشان

با نگاهی تطبیقی به موضوع این سنگ‌نگاره با آثار برجای‌مانده از شهریاران باستانی ایران، هم‌گرایی موضوعی و محتوایی بین آنها آشکار است. فتحعلی‌شاه، سیاست هوشمندانه‌ای با نقر اثر مذکور در محل تردد مردم بکار برد تا از یکسو بیشترین جامعه مخاطب را پوشش دهد و از سوی دیگر در انتقال مفهوم قدرتش، در اذهان عمومی جامعه، توانی برابر با توان شاهان باستانی ایران کسب کند. بازتاب این نمایش بصری از شخص فتحعلی‌شاه شاید درمانی «در جهت تأیید شایستگی وی بر مقام شاهی» شکست خورده در جنگ‌های خارجی بود (دادور و خسروی فر، ۱۳۹۰، ص ۴۰). از این رو پیوسته تلاش می‌کرد تا با احیای سنن فرمانروایان ایران باستان و استمرار اندیشه سیاسی ایشان به همسان‌سازی قدرت خویش با آنها بپردازد. درواکاوای دقیق‌تر رویدادهایی پرتنش به ویژه نفوذ گسترش

قدرت‌های خارجی که پیشتر گذری بر آنها شد، موجب گردید تا فتحعلی‌شاه بیشتر به دنبال بازسازی شکوه امپراطوری گذشته ایران و اثبات استقلال خود از طریق همسان‌سازی با شاهان باستان ایران و احیای اندیشه سیاسی ایشان باشد.

بازتاب وجود تعامل متقابل میان هنر با سیاست در

خدمت به نظام حاکم

واقعیت آن است که با نگاهی به تاریخ هنر و مستندات هنری بر جای مانده از ادوار تاریخی مختلف، حتی روزگار باستان، به وضوح می‌توان دریافت که «هنر و هنرمند همیشه در خدمت جامعه و خصوصاً جریان حاکم بوده» و این ویژگی، صرفاً معطوف به دوران قاجار است (چیت‌سازیان و رحیمی ۱۳۹۱، ص ۷۰)، زیرا «ایده استفاده از هنر برای تبلیغات سیاسی از دیرباز در خاورمیانه وجود داشت و شاید یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین آنها لوح پیروزی نارام سین پادشاه اکد در بین‌النهرین باشد» (معین‌الدینی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰). همچنان که گذری بر آثار هنری بر جای مانده از ادوار مختلف تاریخ هنر ایران از جمله نقش برجسته‌های تخت جمشید، آشکارا دلالت‌گر آن است که تولید بخشی از آثار هنری بر مبنای وابستگی و تبعیت از نظام‌های سیاسی شکل گرفته، زیرا هنر، دارای کاربرد اجتماعی است و لذا به عنوان یک محصول اجتماعی، ملزم به بیان یک معنا و یا انتقال یک مفهوم معین است، در حقیقت، ذات اجتماعی هنر چنان است که آن را در خدمت ساختارهای حاکم بر جامعه از جمله بُعد سیاسی آن قرار می‌دهد. بر مبنای آثار موجود به نظر می‌رسد که طلیعه تعامل میان هنر با سیاست در دوران قاجار، متعلق به روزگار فتحعلی‌شاه است، زیرا وی افزون بر احیای هنر سنگ‌نگاری و پیکره‌نگاری «اولین پادشاهی بود که پس از اسلام اقدام به ضرب سکه به چهره خویش نمود» (خلیلی، ۱۳۸۳، ص ۹۷). در واکاوی دقیق، می‌توان این آثار را معطوف به کسب تجربیات او، از روزگار ولیعهدیش دانست، زیرا وی دریافته بود که «اعمال قدرت و کسب مشروعیت با زور و تطمیع، سنتی کهنه است که در زمان آغا محمدخان منجر به قربانی شدن او گردید» بر این اساس، شیوه دیگری در پیش گرفت، شیوه‌ای که غیر مستقیم ناقل مفهوم قدرت در سطح

جامعه باشد و آن بهره‌برداری از زبان پر نفوذ و بی‌واسطه هنر بود (پورمند و داوری، ۱۳۹۱، ص ۹۷). آن‌چنان‌که با صرف نگاهی دقیق بر مورد مطالعاتی مقاله پیش‌رو به وضوح می‌توان دریافت «نمایش تصویری قدرت که ابعادی بی‌سابقه در تاریخ ایران داشت، جزیی از یک برنامه هماهنگ برای اعلام تسلط دودمان قاجار بر عرصه سیاسی کشور بود» تا بدان حد که جانشینان او نیز از این سیاست بهره گرفتند (دیبا، ۱۳۸۷، ص ۴۳۳). لذا در بررسی بازتاب‌های اجتماعی سنگ نگاره یاد شده، مشخص است که ساختار سیاسی حاکم، زمینه ایجاد این نوع از هنر را در راستای خدمات سیاسی و به جهت حمایت از قدرت فرد محور و بسته سیاسی حاکم، فراهم ساخته که این ویژگی، بازتاب ارتباط دو سویه بین هنر و سیاست است.

۴. تحلیل یافته‌های تحقیق

تحلیل موضوع سنگ‌نگاره‌ی فتحعلی‌شاه در حال شکار شیر بر مبنای ترکیب رویکردهای بینامتنیت و بازتاب، منجر به واکاوی ابعاد عمیق‌تری از موضوع گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیش‌متن‌های اصلی این سنگ‌نگاره بر مبنای احیای سنن دیرینه‌ی هنری ایران و تمدن‌های پیش از اسلام است و از منظر رویکرد بازتاب هدفی فراتر از صرفاً نمایش یک شکار شاهانه دارد؛ این اثر به‌مثابه ابزاری تبلیغاتی در خدمت تثبیت و مشروعیت قدرت سیاسی و الهی شاه و بازتاب آن در سطح جامعه آن دوران بوده است.

۴-۱. بر مبنای رویکرد بینامتنیت

۱. تداوم سنن تصویری پیش از اسلام: از تمدن آشور تا دوره‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی، شکار شیر همواره به‌عنوان تمثیلی از قدرت و توانایی شاهان به‌کار رفته است و سنگ‌نگاره‌ی فتحعلی‌شاه نیز در اصل با احیای این سنت، از پیش‌متن‌های تاریخی خود الهام گرفته است.

۲. تأثیر پیش‌متن‌های خاص: با توجه به محل اقامت دوران ولیعهدی فتحعلی‌شاه در شیراز می‌توان سنگ‌نگاره‌های شکار در تخت جمشید و نقش رستم را پیش‌متن‌های اصلی مورد مطالعاتی تحقیق پیش‌رو دانست.

کارکرد اجتماعی	مشروعیت بخشی به حکومت پادشاه، بازتاب نماینده الهی بر روی زمین و بازتاب اقتدار سیاسی در برابر دشمنان داخلی و خارجی	تقویت مشروعیت الهی و سیاسی پادشاه، بازتاب قدرت مطلق سلطنت و تأکید بر مقام الهی و توانایی شکست‌ناپذیر شاه
رسانه و ابزار	نقش برجسته‌های سنگی در کاخ‌ها و معابد (مانند کاخ نینوا در آشور و تخت جمشید در هخامنشی).	نقش برجسته سنگی در فضای عمومی برای رویت عموم مردم و ارتباط بصری مستقیم با ایشان
جایگاه الهی شاه	پادشاه به عنوان نماینده خداوند در زمین و دارای فره ایزدی (به‌ویژه در دوره ساسانی).	تأکید بر الهی بودن مقام شاه و نمایش قدرت وی بدون همراهی با نمادهای مذهبی
رویکرد هنری	تأکید بر جزئیات اسطوره‌ای و الهی (مانند نمایش الهه‌ها یا صحنه‌های آیینی).	تأکید بر قدرت دنیوی و سیاسی شاه بدون استفاده از الهه‌ها یا عناصر آیینی
شباهت‌ها	نمایش شکار بازتاب قدرت و مشروعیت شاه. و شیر بازتاب چالش‌ها و دشمنان	کاربرد هنر برای بازتاب قدرت در بین مردم شیر بازتاب چالش‌ها و دشمنان
تفاوت‌ها	نقش برجسته‌های پیش از اسلام عمدتاً در مکان‌های آیینی و کاخ‌ها نصب می‌شدند و از عناصر اسطوره‌ای مانند الهه‌ها بهره می‌گرفتند.	سنگ‌نگاره فتحعلی‌شاه در فضای عمومی نصب شده و کاربرد تبلیغاتی تری داشته است. عناصر قوی و اسطوره‌ای حذف شده و تمرکز بر جنبه انسانی و دنیوی است
تأثیرات تاریخی	انتقال مضامین قدرت و اقتدار از طریق سنت‌های تصویری شکل‌دهی به مفاهیم مشروعیت شاهان ایران باستان.	احیای مضامین کهن در قالبی جدید برای بازسازی مشروعیت شاه قاجار و تثبیت هویت ملی و سیاسی

نتیجه‌گیری

فرمان شکل‌گیری سنگ‌نگاره شکار شاهانه در ابعادی وسیع که برای نخستین بار در ایران پس از اسلام، توسط فتحعلی‌شاه

۳. تطبیق با مضمون شکوه سلطنت: برخلاف تمدن‌های بین‌النهرین که شکار شیر به اسطوره‌های الهی ارتباط داشت، در هنر ایران مضمون شکار به ابعاد سیاسی‌تر تغییر یافته و به‌عنوان ابزاری برای نمایش قدرت شاه در نظام مطلقه به‌کار رفته است.

۴-۲. بر مبنای رویکرد بازتاب

۱. بازتاب اجتماعی و سیاسی: سنگ‌نگاره، تصویری از قدرت بلامنازع شاه و غلبه بر سلطان نیروهای مخالف و یا دشمنانش را ارائه می‌دهد. این روایت تصویری بر مشروعیت و استحقاق فتحعلی‌شاه در کسب و تثبیت مقام سلطنت تأکید دارد.

۲. بازتاب الهی بودن مقام شاه: این اثر به‌طور ضمنی مفهوم فره ایزدی را یادآور شده و شاه را به‌عنوان نایب خداوند بر زمین معرفی می‌کند.

۳. بازتاب نیازهای نظام حاکم: به دلیل گسترش نفوذ کشورهای اروپایی به ویژه شکست‌های نظامی فتحعلی‌شاه از روسیه که منجر به از دست دادن بخش شایانی از زمین‌های شمال غربی ایران گردید، این اثر تلاشی در جهت احیای مشروعیت او و همسان‌سازی قدرتش با فرمانروایان ایران باستان بوده است.

۴. ارتباط هنر با سیاست: این سنگ‌نگاره، نمونه‌ی بارز از تعامل هنر با ساختارهای سیاسی دوران قاجار است که در جهت حمایت از نظام مطلقه و نمایش قدرت شاه تولید شده است. در ادامه جدول تطبیقی در مورد مقایسه مورد مطالعاتی مقاله پیش‌رو با نمونه‌های پیش از اسلام و یا در اصل پیش‌متن‌ها و کنش‌های اجتماعی آن ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱. مقایسه ارتباط سنگ‌نگاره‌ی فتحعلی‌شاه با نمونه‌های پیش از اسلام (منبع: نگارنده)

ویژگی / مؤلفه	نمونه‌های پیش از اسلام (آشور، هخامنشی، ساسانی، اشکانی)	سنگ‌نگاره فتحعلی‌شاه قاجار
مضمون اصلی	بازتاب قدرت پادشاه از طریق شکار شیر به عنوان نمادی از اقتدار و توانایی نظامی.	بازتاب شکوه و جلال پادشاه و قدرت او در غلبه بر چالش‌ها و تثبیت حقانیت سلطنت

- صادر شد، از یکسو مبتنی بر رویکرد بینامتنیت مبین آن است که آثار هنری بر مبنای وجود روابط شبکه‌ای با متون پیشین شکل می‌گیرند و از سوی دیگر بر مبنای رویکرد بازتاب، دلالت‌گر کنش‌های اجتماعی متعددی بود که در پاسخ به سوال این مقاله و خوانش اثر مذکور مشخص گردید. سنگ‌نگاره شکار شیر به دست فتحعلی‌شاه، صرفاً بازتاب چهره قدرت نیست، بلکه افزون بر آن، بازتاب کنش‌های اجتماعی دیگری همچون استحقاق وی بر امر سلطنت و شکست دشمنان، حتی اگر در مقام سلطان ایشان باشد و نیز بیانگر حاکمیت نظام مطلقه سلطنتی شاه و همچنین، بازتاب الهی بودن مقام پادشاه است، مقام و یا در اصل موهبتی جعلی که او را توانمند به غلبه بر نماد سلطان دشمنان خود نشان می‌دهد. کنش اجتماعی دیگر آن‌که، بر اساس وجود هم‌گرایی موضوعی و محتوایی میان این اثر با آثار برجای مانده از شهریاران باستانی ایران، همسان‌سازی جانشین آغا محمد خان با شاهان باستانی ایران مشهود است و لذا در نگاهی کل‌گرایانه، می‌توان این اثر را بازتاب تعامل متقابل هنر با سیاست در خدمت به نظام حاکم برشمرد، زیرا فتحعلی‌شاه به عنوان قدرت حاکم، به احیای طیفی از انواع هنر، همچون سنگ‌نگاری پرداخت تا خادم اهدافش باشد و در عین حال این طیف هم شکل گرفت تا حامی قدرت حاکم باشد. این ویژگی، از دیرباز دلالت‌گر تعامل و پیوند دو جانبه، بین هنر با سیاست بوده است.
- کتاب‌نامه:**
- آزاد ارمکی، تقی و مبارکی، مهدی (۱۳۹۱)، «تبیین جامعه شناختی علل تحول فرش ایرانی در دوره صفویه»، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، سال چهارم، شماره اول، صص ۷۳-۹۲.
- اثنی‌عشری، نفیسه، (۱۴۰۲)، «گذری بر بازتاب‌های اجتماعی تصویر ناصرالدین شاه در مطبوعات مصور درباری (مورد مطالعاتی تصویر ناصرالدین شاه مندرج در نمره ۱ روزنامه شرف)»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، (۳۹)، صص: ۳۴۸-۳۲۷.
- اثنی‌عشری، نفیسه و آشوری، محمدتقی (۱۳۹۶)، «بهره‌گیری فتحعلیشاه از زبان تصویر در قدرت نمایی»، *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، (۲۰)، صص ۵۸-۴۷.
- الکساندر، ویکتوریا (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی هنرها*، ترجمه اعظم راودراد، تهران: فرهنگستان هنر.
- پنجه‌باشی، الهام (۱۴۰۲)، «مطالعه تحولات تمثال‌های نقاشی شده مینایی با تصویر شاهان و شاهزادگان در دوره قاجار»، *فصل‌نامه نگره*، (۶۷)، صص ۱۴۵-۱۶۹.
- پورمند، حسن علی و داوری، روشنگر (۱۳۹۱)، «تصویر شاهانه و بازنمایی قدرت در قاجاریه؛ مطالعه تطبیقی هنر دوره فتحعلی‌شاه و ناصرالدین شاه قاجار در گفتمان قدرت»، *مطالعات تطبیقی هنر*، (۴) صص ۹۳-۱۰۶.
- تقوی، عابد (۱۳۹۳)، «جایگاه نقوش برجسته صخره‌ای عهد قاجار در بازیابی هویت ملی ایران»، *مطالعات ملی*، شماره ۴، صص ۱۸۰-۱۶۲.
- چیت‌سازیان، امیرحسین و رحیمی، محمد (۱۳۹۱)، «تأثیر سیاست در هنر پیکره نگاری دوره قاجار»، *نشریه مطالعات ایرانی*، (۲۱)، صص ۶۹-۹۰.
- حاجی علیلو، سلماز (۱۳۸۶)، «بررسی اثرپذیری و موارد الگوبرداری از ایران پیش از اسلام در عصر قاجار با تکیه بر نقش برجسته‌های قاجاری»، *نامه انسان‌شناسی*، شماره ۸، صص ۳۰-۵۹.
- حیدری بابا کمال، یدالله، پذیرش، رضا، سرور، پارمیس، حبیبی، حسین (۱۳۹۱)، «نقش برجسته شکارگاه خسرو دوم (۴) در تاق بستان و الگوپذیری از آن در نقش برجسته تنگواشی فتحعلی‌شاه قاجار»، *باغ نظر*، شماره ۲۱، سال نهم، صص ۸۲-۶۹.
- خلیلی، ناصر (۱۳۸۳)، *گرایش به غرب (در هنر قاجار، عثمانی و هند)*، ترجمه پیام بهتاش، تهران: کارنگ.
- دادور، ابوالقاسم، خسروی‌فر، شهلا (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی نقش شکار در هنر ایران باستان با هنر بین‌النهرین»، *مطالعات تطبیقی هنر*، شماره اول، صص ۴۴-۲۹.
- دستمردی، عبدالخالق و یوزباشی، عطیه (۱۳۹۹)، «تأثیرپذیری نقش برجسته‌های دوره فتحعلی‌شاه از نقش برجسته‌های دوره ساسانی»، *کنفرانس بین‌المللی تمدن، باستان‌شناسی و شهرنشینی در آسیا، بانکوک*، تایلند.
- دیبا، لایلا (۱۳۷۸)، «تصویر قدرت و قدرت تصویر: نیت و نتیجه در نخستین نقاشی‌های عصر قاجار»، *ایران نامه*، (۶۷) صص ۴۵۳-۴۲۳.
- شادقزوینی، پریسا و عبدالله‌زاده نسودی، غزاله (۱۴۰۱)، «بررسی چگونگی تأثیرپذیری نقش‌برجسته‌های دوره فتحعلی‌شاه قاجار از دوره ساسانی»، *مطالعات هنرهای تجسمی*، (۱۰۲)، صص ۱۶-۷.

- علیمحمد اردکانی، جواد (۱۳۹۰)، همگامی ادبیات و نقاشی قاجار، تهران: یساولی.
- قاضیه، فاطمه (۱۳۹۰)، گزارش شکارهای ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۷۹-۱۲۸۱ هجری قمری)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، صص ۷۷-۸۱ (از بخش اول، تاریخچه شکارهای شاهانه در ایران)
- قلی‌زاده، هادی؛ فاضلی، فیروز؛ یوسف‌پور، محمد کاظم (۱۳۹۴)، «تحلیل دگردیسی گفتمان قدرت قدسی در ادبیات ایران از اوستا تا متون عرفانی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، (۳)، صص ۱-۲۶.
- لیا، مدونا و کاتب، فاطمه (۱۳۹۷)، «واکاوی نقش مایه شیر در نقوش برجسته آشوری»، پیکره، شماره ۱۳، صص: ۵-۱۶.
- محمد مرتضایی، محمد و دهقان، مریم و یداله حیدری باباکمال، یداله (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل نقش برجسته‌های قاجاری مجموعه سنگ تاق بستان، کرمانشاه»، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۲، صص: ۲۷-۳۶.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴)، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مه‌رمان مهاجر، محمد نبوی، تهران: آگاه.
- معین‌الدینی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین حمایت فتحعلی‌شاه قاجار از هنر و استفاده سیاسی از آن»، فصل‌نامه تخصص علوم سیاسی، (۳۰)، صص: ۱۴۰-۱۱۷.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۷)، «دو سویگی ارجاعی در سنگ نگاره بیستون»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۸، صص: ۲۵۴-۲۳۳.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰)، درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها، تهران: ناشر.
- یساولی، جواد (۱۳۷۸)، سیاحت ایران، تهران: یساولی.
- یوسفیان، مریم، جوانی، اصغر (۱۳۹۰)، «نشانه‌شناسی قدرت در پیکرنگاری‌های فتحعلی‌شاه» پژوهش هنر، (۱)، ۱-۱۵.